

گذار از جمهوری اسلامی یا اصلاحات ؟

فرهنگ قاسمی



جنبشی که باید در انتظار آن بود، جنبشی است مردمی که برای به دست آوردن آزادی های فردی و اجتماعی و برای کسب عدالت اجتماعی قد راست خواهد کرد.

مقدمه

وقتی در زمان محمد رضا شاه در «جامعه دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران» ما تعدادی انگشت شمار [۱] در پاریس فعالیت می کردیم بسیاری از فعالان سیاسی خارج کشور چنان به چپ و راست میزدند و فعالیت ما را مورد حمله قرار می دادند که بایستی ساعت ها بحث و مجادله می کردیم تا به اهمیت دفاع از حقوق بشر پی برده می شد. چون چند صباحی از انقلاب ۵۷ گذشت ارزش دفاع از حقوق بشر بیش از پیش معلوم گردید.

از همان ابتدای استقرارش، جمهوری اسلامی تازه به قدرت رسیده، به همراه حزب توده و اقمارش و دانشجویان خط امام و انصارش چون، بهشتی و آیت و کاشانی، با پشتیبانی و تشویق شخص خمینی چوب تکفیر را علیه ملیون و طرفداران نهضت ملی بلند کردند و آنان را به گناه مخالفت با رفراندوم و حاکمیت دین و ترجیح دموکراسی براسلام و طرفداری از حقوق بشر و اعلان مخاطره دیکتاتوری مذهبی، با انگهائی، همانند ملی گرائی، نوکر امپریالیسم، طرفدار بورژوازی و ارتباط با آمریکا و طرفداری از محمد مصدق و مخالفت با خیانت آیت الله کاشانی، به زندان ها انداختند و به جوخه های اعدام تحویل دادند یا مجبور به فرار از میهن کردند.

خوشبختانه امروز دفاع از حقوق بشر یکی از پایه های مهم مبارزه علیه جمهوری اسلامی محسوب می گردد و جنبه ملی و محوری پیدا کرده است. رضایت از این رشد و تحول اجتماعی که در جهت دفاع از آزادی و حق و مسئولیت افراد است را هیچ انسان آزادی خواهی نمی تواند نادیده انگارد. این تحول در سی ساله اخیر تا بدانجا به پیش رفت که امروز کمتر سازمان و تشکیلاتی را می توان یافت که در برنامه سیاسی خود

امر دفاع از حقوق بشر را منظور نکرده باشد. اگر در آن زمان اعتقاد راست و درستی به اصول حقوق بشر می‌داشتیم اعدام‌ها شروع نمی‌شد و شاید جامعه ما راهی دیگر در پیش می‌گرفت.

امروز که اندام رژیم جمهوری اسلامی تا گلو در خون مردم ایران فرو رفته است، بخش بزرگی از همان افراد مهاجم به آزادی در صدر انقلاب، در صف مخالفین جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. اینان، نه تنها گذشته خود را فراموش کرده‌اند بلکه به راحتی با قدرت‌های خارجی به زد و بند نشسته‌اند و برای دست یافتن به اصلاحات از داخل رژیم جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. اینان همان‌طور که در گذشته در امر دفاع از جمهوری اسلامی و مخالفت با حقوق بشر و همکاری با حاکمیت برای از بین بردن افراد و جریان‌های طرفدار حقوق بشر و نیروهای ملی و آزادی‌خواه و مدافعان استقلال و تمامیت ارضی ایران اشتباه کردند، امروز نیز با طرفداری از اصلاحات، با بکارگیری شیوه‌های گذشته، با استفاده از وسایل نامشروع و با قبول همکاری با عوامل خارجی دچار اشتباهی سهمگین هستند.

مثالث رشد اجتماعی : صلح - دموکراسی - اصلاحات

انسان منطقی به ویژه کسی که از حقوق بشر دفاع می‌کند، به ذات خود، در یک جامعه معتدل و معقول، در جامعه‌ای که در آن صلح اجتماعی برقرار است و حقوق انسانی رعایت می‌گردد، باید مدافع اصلاحات باشد. اصلاحات به این مفهوم که سیستمی بر اساس ضوابط شناخته شده و مرسوم و پذیرفته شده از سوی کسانی که در آن سیستم ذینفع هستند، وجود دارد و کار خود را بطور طبیعی انجام می‌دهد، اما در حین حرکت و کنش خود به مشکلاتی برمی‌خورد که پیش‌بینی نشده‌اند، یا اینکه آن سیستم در اثر واکنش‌های ناهمسازی‌ها و ناهمگرایی‌هایی را در درون خود تولید می‌کند که برای ادامه فعالیت خود باید اصلاحاتی در آن بوجود آید. بدین ترتیب در مفهوم مدیریت، اصلاحات راز بقای سیستم و تضمین‌کننده اکتساب کیفیت کامل است، مفهومی که به راستی در جامعه نیز می‌تواند صادق باشد. از این رو در هر جامعه مردم و به ویژه تلاشگران حقوق بشر که عوامل ذینفع تحول و تکامل اجتماع بشمار می‌آیند به ذات خود طرفدار اصلاحات هستند، اما در یک جامعه اصلاحات به شرطی امکان پذیر است که این عوامل و عناصر حق آزادی اندیشیدن و اظهار نظر داشته باشند به بیان دیگر آزادی‌های فردی و اجتماعی در آن رعایت شوند تا مردم، موافق و مخالف، بتوانند اندیشه خود را در کمال آزادی بیان کنند؛ افکار و عقایدی را رد و به مکتب و مرام دیگری که مورد توافق با ساختار فکری و نیازهای

اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آنان است تمایل و عقیده پیدا کنند. اما در جامعه‌ای که این آزادی‌ها وجود نداشته باشد آن جامعه دارای حاکمیتی مستبد است. استبداد حق مردم و آزادی اندیشه و بیان آنان را رعایت نمی‌کند، به عبارت دیگر، نظام استبدادی به خودی خود با اصلاحات در تضاد است در نتیجه اصلاحات در چنین جامعه‌ای مفهوم پیدا نمی‌کند و ظرفیت عملی نمی‌یابد. اصلاحات اگر امکان داشته باشد یکی از راه‌حل‌های بسیار مناسب برای رشد و تحول سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه بشمار می‌آید و مورد استقبال انسان متعادل است. همان‌طور که در بالا گفتیم لازمه اصلاحات استقرار صلح اجتماعی، یعنی رعایت آزادی‌ها و ثبات در مناسبات دموکراتیک یا استقرار دموکراسی است؛ پس می‌توان گفت در جامعه‌ای که صلح وجود داشته باشد اصلاحات موجب استقرار دموکراسی و باعث رشد سیاسی و اجتماعی می‌شود. بر عکس در جامعه استبدادی، اصلاحات امکان‌پذیر نیست زیرا استبداد در مقابل رشد سیاسی و اجتماعی به مانند سدی عظیم ایستادگی می‌کند. از آنجا که سه عامل دموکراسی و صلح اجتماعی و اصلاحات لازم و ملزوم یکدیگرند، پس اصلاحات در تضاد ساختاری با رژیم استبدادی است چرا که مستبد با رفتار و با کردار خود راه آزادی و دموکراسی را می‌بندد. پس راه حلی غیر از شکستن استبداد از طریق بر زمین زدن، خنثی کردن و سرنگونی آن برای مردم باقی نمی‌ماند. چنین است که در جمهوری اسلامی ایران همه راه‌های اصلاحات بسته است. متأسفانه هنوز بسیاری کسانی که خوش‌باورانه در جستجوی اصلاحات در رژیم استبدادی جمهوری اسلامی هستند، این رژیم تمامی کیفیت‌ها و ارزش‌های جامعه متعادل را منهدم و بی‌ارزش کرد. کنش‌هایش در جهت مخالف رشد و پاسداری از ثروت ملی عمل می‌کند، اقدامات ناموزونش خلاف همگرایی اجتماعی و مخرب تکامل فرهنگی است، پس ظرفیت اصلاح‌پذیری خود را از دست داده است.

گذار از جمهوری اسلامی حق ملت ایران است

امروز مشاهده می‌شود که اکثریت بزرگی از مخالفین جمهوری اسلامی که طرفدار منشور جهانی حقوق بشر و تمامی میثاق‌های وابسته به آن هستند، با وجود اینکه هیچ علاقه‌ای به جنگ و خونریزی ندارند و در شرایط معمولی و متعادل، طرفدار راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و گام به گام، برای دستیابی به رشد و تحول جامعه می‌باشند ناچارند برای تغییر شرایط حاکم و در مقابله با جمهوری اسلامی، به درستی شعار سرنگونی و نه اصلاح‌طلبی را، در سرلوحه مبارزات خود قرار دهند و با توسل به یک قیام همگانی و با اتکا به نیروی ملتی که روشنفکران،

دانشجویان، کارگران، روزنامه نگاران در بندند؛ ملتی که قربانی تبعیض جنسیتی، محرومیت های اجتماعی و نابسامانی های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی اند و از فقر و فساد و اعتیاد و استثمار به تنگ آمده اند، حقوق و آزادی های مردم را به آنان بازگرداند.

اما متأسفانه عده ای هنوز به این واقعیت تلخ پی نبرده اند تا حقیقتی به این روشنی را نمیخواهند باور کنند. اینان با افکار "پیتورسک" [۲] در مورد این معجزه که «خامنه ای آزادی بدهد و حاکمیت مردم را قبول کند و در قدرت حاکم چرخش به وجود آید» می توان اشاره کرد. این بیان به همان اندازه ریشخند به اپوزیسیون است که سخنان "رمانتیک" و آشفته برخی دیگر که فرضیه "کلاسیک" و عقب ماندگار ترسانیدن مردم از «بی ثباتی» را مطرح می سازند و برای حفظ ثبات و نگهداری ساختار رژیم حاکم بر ایران، به امر اصلاحات تأکید می ورزند. در صورتی که مشاهده دقیق و تحلیل واقعیت های زندگی مردم ایران و شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و وضعیت اپوزیسیون، شمار اعدام ها و زندان ها، شرائط اعمال شده توسط هیأت حاکمه و قدرت مطلقه شخص ولایت فقیه و معضلات ناشی از سیاست خارجی نه با آن امیدیشه های "پیتورسک" خوانائی دارد و نه آن "رمانتسم" را برمی تابد. لازم است که گفته شود که قریب هفت سال است که ما جنبش مردمی ۸۸ که برای کسب آزادی انتخابات بود و نیز بهار های عرب را پشت سر گذارده ایم، اما جنبش ۸۸ به دلیل عدم لیاقت رهبری آن، یعنی همان کسانی که اصلاح طلبان از آنها دفاع می کنند توسط حاکمیت خشن و استبدادی و ضد انسانی جمهوری اسلامی در نطفه خفه شد و متأسفانه میهن ما راه حل اصلاح طلبانه را که برخی خواب آن را می دیدند از دست داد. امروز به صراحت باید گفت و تکرار کرد که گذار از جمهوری اسلامی حق ملت ایران است و حق بازگرفتنی است و هیچ دیکتاتوری آن را به ملت عطا نکرده است.

اصلاح_اصلاح طلبان !

این واقعیت ناخوشایند را باید پذیرفت که هر متخلفی به آسانی درستکار نمی گردد، هر بنیادگرایی به راحتی مدرن و متجدد حتی اصلاح طلب نمی شود. هر طرفدار ولایت فقیه، که مدعی سکولاریسم شد، هر کوشنده دیکتاتوری، "خلق ی یا غیر خلقی" که به دموکراسی روی می آورد، هر سلطنت طلبی که به جمهوریخواهی متمایل گردیده، همینطور هر فرد طرفدار رژیم جمهوری اسلامی که تغییر موضع داد و مخالف رژیم شد، بدان مفهوم نیست که اخلاق و رفتار قبلی اش تغییر پیدا کرده باشد. از این سخن نباید چنین نتیجه گرفت که ما بر این اعتقادیم که

انسان ها قابل تغییر و تحول نیستند؛ بلکه باور داریم برای اینکه هر فرد در پروسه تغییر و تحول خود موفق گردد به ناچار باید قادر باشد اخلاق و رفتار خود را نیز تغییر دهد. کسانی که در گذشته یک روز به دنبال هاشمی رفسنجانی بودند، دیگر روز صلیب خاتمی را به گرده می کشیدند و امروز، علیرغم اعترافات شجاعانه افرادی مثل نوری زاد و صدها زندانی سیاسی دیگر و حتی آقای کربابی که به صراحت رژیم جمهوری اسلامی ایران را اصلاح ناپذیر میدانند، هنوز به دنبال اصلاحات هستند چرا قبول نمی کنند که از واقعیت فرسنگها فاصله دارند. اصلاح طلبان باید این حقیقت تلخ را پذیرا شوند که در مورد اصلاح جمهوری اسلامی در اشتباه محض به سرمی برند و بهتر است به جای کوشش بی ثمر در اصلاح جمهوری اسلامی، نخست خود را اصلاح کنند سپس به جبهه مردم که برای آزادی و استقلال و دموکراسی و جمهوری مبارزه می کنند بپیوندند! سؤال اساسی این است که اصلاح طلبان چه چیزی را و به وسیله چه کسی می خواهند اصلاح کنند؟ اصلاح قانون اساسی، آشنا ترین ادعای اصلاح طلبان است. وقتی کسانی که آن را تدوین کرده اند، آن را رعایت نمی کنند و بر اساس تمایلات و منافع شخصی خود بر ایران حکومت می کنند، آیا حاضرند به تغییر قانون اساسی تن در دهند؟ آیا منافع سپاه پاسداران به آنان اجازه می دهد که قانون اساسی تغییر پیدا کند؟ روحانیونی که بر مرکب مراد سوار شده اند و به مال و منال بی کران رسیده اند آیا قبول می کنند قانون اساسی تغییر پیدا کند؟ آقازاده هائی که ثروت ملت ایران را در بانکهای خارجی انباشت کرده اند آیا حاضر میشوند به تغییر قانون اساسی تن در دهند؟ اینان گناهکاران و جنایتکارانی هستند که بیش از سی سال است که به تخلف و چپاول ملت ایران عادت کرده اند و به سادگی از امتیازات خود دست نخواهند برداشت.

شعار سرنگونی به تنهایی کافی نیست

نویسنده این سطور از سالها قبل براین اعتقاد بوده است که رژیم جمهوری اسلامی به دلیل دشمنی با دموکراسی و آزادی و استقلال و به جهت زیر پا گذاشتن آزادی انتخابات و حاکمیت ملت اصلاح پذیر نیست، پس چاره ای جز سرنگونی آن وجود ندارد. جنبشی که باید در انتظار آن بود، جنبشی است مردمی که برای به دست آوردن آزادی های فردی و اجتماعی و برای کسب عدالت اجتماعی قد راست خواهد کرد. اینبار به احتمال فراوان، حرکت مردم ایران جنبشی خواهد بود نه تنها برای آزادی و برابری و حقوق بشر بلکه همینطور علیه فقر و علیه حاکمیت دین و عقیده و مکتب و مرام و این جنبش در تمام منطقه تأثیرگذار

خواهد بود. این جنبش را طغیان مردم ایران در داخل و خارج کشور و مبارزه روشنفکران از داخل زندان ها و استقامت همه کسانی که فشارهای رژیم و ضربات سنگین جمهوری اسلامی را در داخل کشور تحمل می کنند به وجود خواهند آورد.

واقع بینی حکم می کند که بپذیریم دوران گذار مخاطرات بزرگی را به همراه خواهد داشت و میهنمان برای مدتی در آشفتگی سیاسی و اجتماعی و نا امنی به سر خواهد برد، در چنین چشم اندازی، هم و غم و دل نگرانی درجه اول اپوزیسیون باید این باشد که این دوران هر چه بیشتر کوتاه تر شود. برای این کار چاره ای نیست غیر از اینکه اپوزیسیون خود را متشکل و همساز کرده و برای برنامه دوران گذر کار کند و خود را در برابر آن مسئولیت بزرگ، یعنی بازسازی جامعه و ترویج فرهنگ اعتدال و احترام به رقبای سیاسی و رعایت حقوق انسانی و دفاع از آزادی همه آحاد ملت، از طرفداران پادشاهی تا مدافعان کمونیسم کارگری، آماده سازد. عوامل تشکیل دهنده همسازی باید متشکل از نیروهای باشند که در ذات خود ناهمگون نباشند.

در این فراروند، ساختارهای رژیم جمهوری اسلامی به ناچار درهم خواهند ریخت. ازهم پاشیده شدن ساختارهای حاکمیت مافیای مذهبی که فساد و رشوه و دروغ و ریا را در جامعه اشاعه داده است یک امر واقعی و ضروری است. در این رژیم خرابی فراگیر شده و انحطاط به حدی رسیده است که باید در اندیشه بازسازی ساختارها موجود بود و اندیشه به تنهایی کافی نیست باید طرح های عملی ارائه داد و به تدوین آنها پرداخت.

برنامه ریزی مرحله گذار و ترسیم یک چشم انداز واقع بینانه و تعیین مسئولیت ها در این مرحله سخت حساس، با مشارکت زنان و مردانی که قادر به عملی ساختن پروژه های لازم برای گذار به دوران دموکراسی هستند، عمده ترین وظیفه جمهوریخواهان سکولار و لائیک و طرفدار سرنگونی است.

انحطاط قدرتمداران به خوبی نشان می دهد که قدرت به خودی خود هیچ ارزش و منزلتی ندارد، بلکه کسب قدرت آنگاه مفهوم پیدا می کند که در جهت خدمت به مردم و جامعه بشری باشد. به همین دلیل بایستی توجه کرد که تفاوت است بین اپوزیسیون که می خواهد آزادی را به ارمغان بیاورد و آنی که می خواهد با کسب قدرت به امیال فردی، موروثنی، خانوادگی، گروهی و عقیدتی دست پیدا کند. به عبارت دیگر کسب قدرت باید حتماً برای خدمت به جامعه باشد. رهبری جمهوریخواهان بایستی از افرادی تشکیل شود که به آزادی و حقوق بشر

و عدالت اجتماعی و جدایی دین و دولت به شدت پایبند باشند و از این اصول به طور قرص و محکم و با فداکاری و بدون کوچکترین تعلل و تخلفی دفاع کنند. اینان در واقع تضمین کننده آزادی و مردم سالاری و سکولاریسم و لائیسیته و تمامیت ارضی و استقلال ایران و عدالت اجتماعی و ضامن حقوق اقلیت ها هستند. مجلس مؤسسان را باید این رهبران آزادی خواه با در نظر گرفتن حقوق همه نحله های سیاسی و تضمین کامل برابری، آزادی و دموکراسی برای همه برگزار کنند.

پاریس

[۱] فعالان این کمیته عبارت بودند از مولود خانلری، امیر پیشداد، ابوالحسن بنی صدر، حسین ملک، حسین مهدوی، احمد

فاروق، احمد سلامتیان، فرهنگ قاسمی ...

[۲] Pittoresque -، تعبیرات غیر جدی و فولکلوریک

سند ساختار جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

تغییرات در سند ساختار

گردهمایی سراسری دهم

9 - 10 مه 2020 برابر با 20 - 21 اردیبهشت 1399

در گردهمایی سراسری دهم به تاریخ 9-10 مه 2020 برابر با 20 -
21 اردیبهشت 1399

دو بند : ۳ - ۲ - ۷ و پاراگراف مربوطه در بند 9 به صورت زیر
تغییر کرده و به تصویب رسیدند

بند 7 : شورای هماهنگی

۳- ۲ - ۷ شورای هماهنگی هر ماه دو نشست مجازی با همراهان برای تصمیم‌گیری و تقسیم کار در کلیه امور ج.ج.د.ل.ا. برگزار می‌کند. تصمیمات در این نشست با اتفاق دوسوم آراء حاضرین در جلسه گرفته می‌شوند. این نشست می‌تواند به نام ج.ج.د.ل.ا. و در چهارچوب منشور، بیانیه صادر کند. بیانیه‌ها باید موافقت دوسوم آراء همراهان را به دست آورند.

بند ۹ : گردهمایی سراسری

- گردهمایی سراسری عادی سالانه، به دعوت شورای هماهنگی و با شرکت همراهان به صورت علنی برگزار می‌شود. در صورت عدم امکان تشکیل نشست حضوری، گردهمایی مجازی برگزار می‌شود.

سند ساختار جنبش جمهوریخواهان دموکرات ولایت ایران

مصوب گردهمایی ششم

در روزهای ۱۹ تا ۲۱ فوریه ۲۰۱۶، برابر با ۳۰ بهمن تا ۲ اسفند ۱۳۹۴

توضیح: یکی از اسناد مصوبه ششمین گردهمایی جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، سند ساختار است که با تغییراتی در سند ساختار پیشین، به تصویب رسید. تغییرات در سند ساختار نیازمند رای بیش از شصت در صد آراء حاضران در گردهمایی سراسری است که این تغییرات در گردهمایی ششم با رای بیش از شصت در صد به تصویب رسید. همچنین بنا بر درخواست گردهمایی، این سند همچون دیگر اسناد مصوبه، توسط هیئت رئیسه گردهمایی و شورای هماهنگی جدید، ویرایش نهایی شده است.

۱ - نام - جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران (مخفف آن " ج ج د ل ا ")

۲ - تعریف - جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران برای جمهوری، دموکراسی، لائیسیت، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی در همه زمینه‌ها از جمله برابر حقوقی جنسیتی در ایران مبارزه می‌کند. جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران جنبشی است کثرت‌گرا، فراگیر، علنی و مستقل که در آن همراهان از خاستگاه‌ها و افق‌های

گوناگون گرد آمده‌اند تا با جایگاهی برابر، ابتکارات فردی و کوشش‌های جمعی و داوطلبانه خود را در عرصه‌های نظری و عملی از راه‌های دموکراتیک و بر مبنای اسناد پایه مصوب گردهمائی‌های سراسری به پیش برند.

۳- همراه کسی است که خود را جمهوری‌خواه دموکرات و لائیک می‌داند و به‌گونه‌ای با این جنبش در پیوند است.

مبنای مشارکت همراهان اراده‌ی آزاد و داوطلبانه، پذیرش مسئولیت و پاسخ‌گویی نسبت به آن است. توصیه می‌شود همراهان حداقل ماهانه پنج یورو (یا سالانه شصت یورو) به صندوق مالی بپردازند.

مشارکت در کوشش‌های جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران، فردی و صرف‌نظر از وابستگی یا عدم وابستگی افراد به احزاب، سازمان‌ها و انجمن‌های دیگر است. همراهان همه جا از حقوق یکسان برخوردارند، از جمله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن.

۴- نهاد محلی- همراهان می‌کوشند برای پیشبرد فعالیت‌ها در محل اقامت خویش، نهادهای محلی به‌وجود آورند. نهادها در همه تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب روش‌های کار خویش، خود مختارند، تعلق آن‌ها به "ج ج د لا" بر مبنای اسناد پایه و مصوبات نشست سراسری است. نهادها در اتخاذ مواضع سیاسی و انتشار آن‌ها به نام واحد محلی خود در صورت وجود تفاهم و یا احرار اکثریت آراء آزادند. اقلیت برای دفاع از نظرات خود و تبلیغ علنی آن می‌تواند از همه امکانات جنبش استفاده کند.

- همراهانی که واحد محلی ندارند، می‌توانند با یکدیگر واحد مجازی تشکیل دهند. (تبصره ۱)

- واحدهای محلی در سطوح شهری یا کشوری برپایه سند سیاسی و سند ساختار، تشکیل می‌شوند و در چارچوب این دو سند، در تمام فعالیت‌های خویش، خود مختارند.

- حد نصاب واحدهای محلی ۵ نفر است.

- مسئولیت موضع‌گیری‌های سیاسی واحدهای محلی بر عهده خود این واحدها است.

- واحد‌های محلی از حق داشتن یک نماینده در شورای هماهنگی برخوردارند.

- نماینده، نمایندگان یا رابطین واحدهای محلی در شورای هماهنگی، با رای اکثریت همراهان این واحدها تعویض می‌شوند.

تبصره ۱: حقوق و وظایف واحدهای محلی در مورد واحدهای مجازی نیز صادق می‌باشد.

۵- گروه‌های کار

۵-۱ ترکیب و چگونگی شکل‌گیری:

۵-۱-۱ مسئولان گروه‌های کاری در گردهمایی سراسری انتخاب می‌شوند.
۵-۱-۲ مسئولان گروه‌های کاری با توجه به حجم کاری گروه، تعداد اعضای خود را در هر مقطع زمانی می‌توانند انتخاب کنند.
۵-۱-۳ انتخاب اعضای گروه‌های کاری از میان داوطلبان، متناسب با فعالیت‌های گروه با مسئول گروه و با تأیید شورای هماهنگی است. (تبصره ۱)

۵-۱-۴ تصمیم‌گیری‌های گروه بر اساس رأی اکثریت تشکیل دهنده گروه قابل اجراست. (تبصره ۲)

۵-۱-۵ سه بار غیبت غیر موجه همراه داوطلب در جلسات گروه‌های کاری، می‌تواند با تصمیم جمعی گروه، منجر به حذف همراه از گروه شود.
تبصره ۱: بعد از تشکیل گروه‌های کاری، در خواست جدید از همراهان برای شرکت در گروه‌های کاری با تصمیم اکثریت گروه است.
تبصره ۲: در صورت برابری آرا، نظر مسئول گروه راه‌گشاست. بر این اساس توصیه می‌شود که تعداد اعضای گروه‌ها فرد باشد.

۵-۲ وظایف و اختیارات:

۵-۲-۱ گروه کار "سیاسی" به سهم خود موظف است در تدارک بحث‌های علنی پیرامون مضامین مطرح در اندیشه جمهوری‌خواهی و پیشبرد مباحثی که نشست سراسری مشخص می‌کند، بکوشد.

۵-۲-۲ گروه "ارتباطات" نهاد ارتباطی سراسری و عهده‌دار مناسبات جنبش با نیروها و مجامع ایرانی و خارجی بوده، موظف است در معرفی جنبش به افکار عمومی ایرانی و خارجی بکوشد.

۵-۲-۳ گروه "سایت و شبکه‌های اجتماعی" بازتاب دهنده افکار جنبش جمهوری‌خواهی پیرامون مضامین پایه‌ای آن، مثل جمهوری‌خواهی، دموکراسی و لائسیته می‌باشد.

۵-۲-۴ گروه‌های کاری آئین‌نامه‌ی داخلی خود را تدوین می‌کنند. آئین‌نامه انتشار علنی خواهد یافت.

۵-۲-۵ گروه‌های کاری در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب روش‌های کار خویش (در چارچوب موازین ج.ج.د.ل.ا) خود مختار هستند.

۵-۲-۶ مسئولین گروه‌های کاری موظفند گزارش کاری گروه خود را به همراهان، شورای هماهنگی و گردهمایی سراسری ارائه دهند.

۵-۲-۷ در نبود گردهمایی سراسری، فقط شورای هماهنگی می‌تواند برکل فعالیت گروه‌ها، در صورت عدم تناسب فعالیت آنها، بر طبق سند ساختار و سیاسی، ناظر و تصمیم‌گیرنده باشد.

۶ - گرایش‌های سیاسی - نظری

همراهان هم نظر می‌توانند در محدوده توافقات سند سیاسی در

گرایشهای گوناگون خود را متشکل نموده و از تمام امکانات جنبش برای تبلیغ علنی نظرات خود استفاده کنند و اعلام موضع نمایند.

۷- شورای هماهنگی

تعریف: شورای هماهنگی فعالیتهای نهادهای گوناگون ج.ج.د.ل.ا را هماهنگ می‌کند.

۱- ۷ ترکیب و چگونگی شکل‌گیری

شورای هماهنگی، مرکب از پنج تا هفت نفر از رابط‌های واحدها و گروه‌های کار می‌باشد.

تبصره: در گردهمائی سراسری یا حداکثر پس از دو هفته پس از گردهمایی سراسری، واحدهای محلی و مجازی، رابط‌های خود را برای تشکیل شورای هماهنگی معرفی می‌کنند.

۲ - ۷ وظائف و اختیارات

۱- ۲ - ۷ شورای هماهنگی عهده دار پیشنهاد و تدارک کارزارهای سراسری است.

۲- ۲ - ۷ شورای هماهنگی در تبادل نظر با همراهان، برنامه کار مشترکی را تدوین و زمان‌بندی کرده، برای فعالیت به همراهان ارائه داده و سازماندهی و تحقق آن را پیگیری می‌کند.

۳- ۲ - ۷ شورای هماهنگی هر ماه نشستی مجازی با همراهان برگزار می‌کند تا نسبت به رویدادهای سیاسی ملی و بین‌المللی و مضمون واکنشی که باید نشان داد، از آنان نظرخواهی کند. در صورت تشخیص لزوم انتشار بیانیه، گروه کار سیاسی با توجه به تمایلات و اظهار نظر همراهان حاضر در نشست، متن را تدوین و به شورای هماهنگی ارایه می‌دهد. شورای هماهنگی می‌تواند در آن تغییرات و تصحیحاتی را که لازم می‌داند وارد کرده، بیانیه را به نام شورای هماهنگی انتشار دهد.

۴- ۲ - ۷ تصمیمات در شورای هماهنگی به اتفاق آرا گرفته می‌شود. در صورتی که اتفاق آرا حاصل نشود، رای اکثریت مبنای تصمیمات خواهد بود.

۸- مشارکت زنان

برای عملی‌شدن امر سهمیه‌بندی:

در پیروی از مصوبه نخستین گردهمائی سراسری مبنی بر پذیرفتن سهمیه ۵۰ درصدی زنان، که هدف جنبش می‌باشد و مشارکت متساوی زنان و مردان، در تمام نهادهای انتخابی و عرصه‌های فعالیت جمعی، در صورتی که تعداد شرکت‌کنندگان زن در نشست‌های همگانی محدود بود، کوشش

میشود حتی المقدور در نهادهای انتخابی به هدف ۵۰ درصد نزدیک شد.

۹- گردهمایی سراسری

- گردهمایی سراسری، بالاترین نهاد «جنبش» است.
- گردهمایی سراسری عادی سالانه، به دعوت شورای هماهنگی و با شرکت حضوری و محازی همراهان و به صورت علنی برگزار میشود.
- گردهمایی سراسری، در تمام امور جاری سیاسی و تشکیلاتی تصمیم‌گیری می‌کند و تصمیماتش را با پشتیبانی آرای اکثریت همراهان حاضر به اجرا می‌گذارد.
- در گردهمایی سراسری عادی، بر مبنای گزارش شورای هماهنگی، فعالیت آتی جنبش مورد بحث و بررسی همراهان قرار می‌گیرد و راستای حرکت آینده تعیین میشود.
- گردهمایی سراسری فوق‌العاده به درخواست بیست درصد از همراهان برگزار میشود.

۱۰- نحوه انتخابات در گردهمایی سراسری

- حداقل رای لازم برای انتخاب کاندیداهای مسئولان گروه‌های کاری ۲۰ درصد آرای حاضران در جلسه می‌باشد.
- برای هر گونه تغییر در سند سیاسی و یا سند ساختار، تصمیمات با اکثریت بیش از شصت درصد همراهان حاضر به تصویب میرسد.

گزارش نشست

گزارش ششمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایت ایران

۱۹ تا ۲۱ فوریه ۲۰۱۶ - سی ام تا دوم اسفند ۱۳۹۴

نشست رسمی در روز شنبه ۲۰ فوریه ساعت ده صبح با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جانب‌باختگان راه آزادی و دموکراسی آغاز شد و سپس هیئت رئیسه با این بیت:

” ما برای وصل کردن آمدم نی برای فصل کردن آمدم ”

ششمین گردهمایی را افتتاح کرد.

ابتدا ازسوی گردانندگان جلسه طرح پیشنهادی روال و موضوع های دو روزه نشست به همراهان ارائه شد. این پیشنهاد با یک بند تکمیلی مبنی بر پیشبرد بحث ها در طی دو روز توسط هیئت رئیس^۱ موجود خانمها ناهید جعفر پور و فردوس میرآبادی و آقای احسان دهکردی (اعضای شورای هماهنگی) به اتفاق آراء تصویب شد. سپس دستورکارجلسه به ترتیب زیر به اجرا درآمد:

اولین موضوع: بررسی کارکرد همراهان و نهادها (شورای هماهنگی، نهادهای محلی و همراهان بطورفردی)

با توجه به گفتگوهائی که در نشست میاندوره ای (به مناسبت دهمین سالگرد جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایتک ایران برپای^۲ همه بررسی از همراهان پیرامون کمبودها و کاستی های ج.ج.د.ل.ا. طی یک دهه گذشته) انجام گرفت جلسه تشخیص داد که بررسی عملکرد را محدود به تجارب نیمسال گذشته و در دو سطح مورد بررسی قراردهد:

الف) رابط^۳ دو نهاد شورای هماهنگی و واحد های محلی در همکاری های چند جانبه با نیروهای اپوزیسیون به طورکلی و به خصوص با توجه به تجربی^۴ تظاهرات علیه حسن روحانی در پاریس.

گرچه ارگانهای ج.ج.د.ل.ا. هر کدام برطبق سند ساختار از نظر حقوقی دارای اختیارات لازم جهت پیشبرد فعالیت های خود می باشند اما این اختیارات نباید در میدان عمل سیاسی به تقابل یا تناقض با تلاش های همگانی همراهان بیانجامد. با وجود آمدن چنین وضعیتی سیاست ورزی مشترک دچار دوگانگی شده و در نتیجه به زیان ارائه^۵ سیمای روشن و یکپارچه ای ازما در انظار عمومی منتهی خواهد شد. برای جلوگیری ازتکرار اینگونه تجارب (ازجمله تجربه ناکام پاریس که عدم وجود هماهنگی لازم به شکل نا مطلوبی به نمایش گذاشته شد) ضروری است که در آینده با نزدیک شدن رابطه ها میان واحدهای محلی و شورای هماهنگی و با گسترش مشورت و همفکری بتوان مانع از شکل گیری سوء تفاهمات شد. پیشگیری ازتقابل فعالیت ها مستلزم گفتگوی های دقیقتر و پیگیرانه تر است که البته نباید تنها به رد و بدل پیام های فردی "ویبری" و یا "فیس بوکی" محدود بماند. همدلی و مشارکت جمعی است که می تواند دستیابی به تصمیم های مشترک را بوجود آورد و شرایط مطلوب را برای حضوری برجسته و یکپارچه دربین اپوزیسیون فراهم کند.

ب) موضوع مهم دیگر بررسی روابط درونی و شیوه های برخورد در بین

همراهان بود.

با کاهش تدریجی همراهان بازنگری روابط انسانی، شیوه های برخورد نسبت به نظرهای یکدیگر و بکارگیری ادبیات درخور نسبت به آنها اهمیت و معنای بیشتری پیدا می کند. با توجه به تکرر و تفاوت نظرها در میان ما رعایت اعتبار و اعتماد نسبت به یکدیگر جایگاه بیش از پیش حساستری پیدا می کند. عدم رواداری و احترام متقابل نسبت به یکدیگر می تواند به سست شدن پیمان ها و پراکندگی منجر شود و یکی از مهمترین انگیزه های مبارزاتی را بخشکاند. برماست که با تاکید بر گفتگو و تفاهم دوستانه در تعمیق این ارزشها در منش، رفتار و کردار مشترکمان کوشا باشیم. قوام و دواممان مستلزم حراست از این ارزش هاست و این امر مهم به عهده فرد فرد همراهان است.

دومین موضوع: در این قسمت پیشنهاد تغییر بند هائی از سند ساختار که قبلا جهت بازنگری ازطرف گروه کارسند ساختار بطور کتبی در اختیار همراهان قرارگرفته بود به بحث گذاشته شد. طرح پیشنهادی در واقع تلفیقی بود از سه پیشنهاد کتبی ارائه شده به گروه کار. در طرح پیشنهادی کوشش شده بود که برحسب نیازهای موجود جهت سامان بخشی به فعالیت های مشترک ج.ج.د.ل.ا. به گونه ای تنظیم شود تا بتوان به اشکال لازم برای پیشبرد فعالیت ها بدون هرگونه ممانعت در زمان کوتاه دست پیدا کرد. دراین مرحله آنچه که بر همه چیز تقدم دارد ایجاد ضوابطی است که بتواند به عنوان ابزاری در خدمت سازماندهی فعالیت های ج.ج.د.ل.ا. بعنوان مجموعه ای فعال به قصد همکاری و همگامی با دیگر نیروهای اپوزیسیون به کار آید.

به منظور تدقیق سند ساختار تنها دربند هفت ماده یک درارتباط با ترکیب و چگونگی شکل گیری شورای هماهنگی از سوی گروه کار تغییرات اساسی و مضمونی وارد شده بود. تغییرات بند های دیگر عمدتا تغییرات تکمیلی و برخی ترمیمی بودند. بنابراین بند هفت بصورت الترناطیو پیشنهاد و به رای گذاشته شد:

” شورای هماهنگی ، مرکب از پنج تا هفت نفر از رابطین نهاد ها ، گروه های کار و تارنما ، مسئولیت هماهنگ کردن فعالیت های عمومی ج.ج.د.ل.ا. را بر عهده می گیرد. “

که با آرای بیش از دوسوم (۷۰٪) همراهان به تصویب رسید.

متن سند به منظور ویرایش و تدوین نهائی به گروه کار مربوطه رجوع داده شد.

سومین موضوع: در این بخش از گفتگوها پیش نویس بیانیه سیاسی مورد بررسی قرارگرفت. بحث ها در مجموع بر سر سه مسئله متمرکز بودند:

۱- مسئله انتخابات مجلس شورای اسلامی

۲- برجام و پیامد های آن

۳- گذار از نظام جمهوری اسلامی

پس از دو دوره بحث چارچوب کلی بیانیه روشن شد. با مشخص شدن موارد اختلاف و اشتراک و قبول پیشنهاد های کتبی پیش نویس جهت تدوین، ویرایش و بازنگری نهائی به گروه کار مربوطه رجوع داده شد.

یکشنبه 21 فوریه

جلسه در ساعت ده صبح آغاز به کار کرد. در ابتدا طرح متن سند سیاسی از طرف سخنگوی گروه کار با توجه به بند های تغییر یافته خوانده شد. نکات تغییر یافته عبارت بودند از:

۱-صفحه اول بند پنجم سطر هفتم

۲-صفحه دوم بند سه سطر اول

۳-صفحه دوم بند چهارم سطر اول

این متن به لحاظ اختلاف نظر در برخی از بندها دو باره به گروه کار بازگشت.

در این فاصله بند های تغییر یافته سند ساختار مورد گفتگو قرار گرفت که به دلیل نارسائی ها و تناقضات موجود بار دیگر بندها به گروه کار مربوطه رجوع داده شد.

در این فرصت مسئول امور مالی گزارش کوتاهی از اوضاع مالی ج.ج.د.ل.ا. به همراهان ارائه داد. بنا بر این گزارش با پرداخت کلیه بدهکاری ها در حال حاضر موجودی مالی در حساب بانکی ۹۳۵ یورو میباشد. مسئول امور مالی امیدوار بود که در آینده با پرداخت ماهانه کمک مالی به مبلغ حداقل ۵ یورو از طرف همراهان همانطور که در سند ساختار پیش بینی شده بتوان هزینه های فعالیت های آینده را از این طریق تامین کرد.

سپس طرح تصحیح و تکمیل شد. بیانیه سیاسی مجدداً به جلسه ارائه شد.

برای تصویب متن نهائی جلسه درمورد دو بند به علت به توافق نرسیدن در گروه کار تصمیم را بر عهد^۱ حاضران در نشست گذاشت. در بند سوم از دومین صفحه به جای " ولی فقیه و طیف های حاکم، هرچهارسال..." به " این نظام هر چهارسال..." نوشته شود. این بند با اکثریت آراء تصویب شد. در بند چهارم از صفحه دوم به جای " ما خواهان تحریم این مضحکه ی انتخاباتی..." به صورت " ما به این مضحکه انتخاباتی نه می کوئیم و خواهان تحریم آن هستیم " تغییر داده شود. تغییر این بند هم با اکثریت آراء به تصویب رسید. سپس متن کامل و نهائی سند سیاسی به رأی شرکت کنندگان در همایش گذاشته شد. این متن با دو سوم آرا، مورد توافق همراهان در گرد همائی قرار گرفت.

پس از اتمام سند بیانی^۲ سیاسی، طرح نهائی و تکمیل شد^۳ سند ساختار به جلسه ارائه شد. متن کامل سند ساختار با بیش از دو سوم آرای همراهان به تصویب رسید.

در این مرحله گردانندگان همایش از همراهان خواستار اعلام داوطلبانه نامزدهای مسئول گروه های کاری سیاسی، تارنما و ارتباطات جهت تائید و کسب اعتبار از گردهمائی شدند. آقایان فرهنگ قاسمی در بخش تارنما، انور میرستاری در حوز^۴ ارتباطات و خسرو امیری در گروه کارسیاسی مورد تائید اکثریت همراهان در گردهمائی قرار گرفتند. از طرف واحد محلی ها نور مانی شیرازی به عنوان رابط این نهاد در شورای هماهنگی معرفی شد. قرار بر این شد که واحدهای دیگر طی دو هفته پس از برگزاری گردهمائی رابطین خود را به شورای هماهنگی معرفی کنند.

در آخرین بخش گفتگوی روز یکشنبه بند پیشنهادی "ما بر این باوریم که رژیم جمهوری اسلامی ایران در کلیت خود اصلاح پذیر نیست و در چهارچوب آن، هیچیک از خواست های دموکراتیک مردم ایران تحقق پذیر نیست. بنابراین خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و انحلال هم^۵ نهادهای قضائی، قانون گذاری و اجرایی سرکوبگر (اعم از سیاسی و نظامی و امنیتی و غیره) و الغای قانون اساسی جمهوری اسلامی و دیگر قوانین غیر دموکراتیک آن هستیم. در این راستا، برای جایگزینی آن با یک نظام جمهوری مبتنی بر دموکراسی، جدایی دین از دولت، و حقوق بشر مبارزه می کنیم" از طرف پروژ^۶ همکاری های ۹ سازمان جهت اتخاذ تصمیم همراهان در گردهمائی سراسری به بحث گذاشته شد. این بند بدون تغییر با اکثریت آرا به تصویب همراهان رسید.

بدین ترتیب ششمین همایش سراسری در ساعت ۱۶ روز یکشنبه ۲۱ فوریه
بدنبال یک بحث گسترده درجوهی دوستانه پایان یافت.

فراخوانِ شبِ بیدار

میدان جمهوری، پاریس



همه با هم، برخیزیم!

تلاقی مبارزات

e la Nuit Debout, place de la République – ۸ de abril ۲۰۱۶,
París

Nuit Debout's call, place de la République – Paris, ۸th April
۲۰۱۶

Izveštaj Nuit Debout, République – Pariz, ۸. april ۲۰۱۶

Appello della "Nuit Debout", place de la République – Paris, ۸
aprile ۲۰۱۶

Ανακοίνωση της Επιτροπής Διεθνών Σχέσεων της « Nuit Debout »
στη République

« Nuit debout » Czuwamy cala noc – Czuwajmy razem

Ночи без сна – Единой силой

فراخوان شب بیدار، میدان جمهوری، ۸ آوریل ۲۰۱۶، ۲۰ فروردین ۱۳۹۵،
پاریس، فرانسه

فراخوانِ شبِ بیدار

میدان جمهوری، پاریس

۸ آوریل ۲۰۱۶ – ۲۰ فروردین ۱۳۹۵

همه با هم، برخیزیم!

از ۳۱ ماه مارس ۲۰۱۶، ما در میدان جمهوری پاریس و نیز مکان های
دیگری گرد هم آمده ایم. در ابتدا، هدفِ گرد هم آئی ما اعتراض به
تغییر قانون کار فرانسه بود. این رفرم تصمیم منزوی فرانسه نبوده

و بخشی از برنامه‌ی دراز ریاضت اقتصادی است که مردم کشورهای هم جوار را نشانه گرفته است و پیامدهای آن با اثرات Jobs Act ایتالیا یا Reforma Laboral اسپانیا یکسان خواهد بود؛ یعنی اخراج‌های بیشتر از کار، بی‌ثباتی‌های بیشتر، نابرابری‌های بیشتر و تحکیم منافع خصوصی. ما آثار این استراتژی شوک را که در وضعیت اضطراری ضد آزادی تحمیل می‌شود، نمی‌پذیریم.

بحث‌های درگیر در گردهمایی‌های میدان جمهوری نشان می‌دهد که آزرده‌گی و ستوه مردم فراتر از رفرم جدید قانون کار رفته و مشکلات مسئله ساز جهانی را دربر می‌گیرد. نظیر زیر سوال بردن نظام اجتماعی و سیاسی بحران‌زده و از رمق افتاده. طبیعی است که ما برای پایان چنین نظامی غصه نخواهیم خورد.

این جنبش نه از پاریس آغاز و نه به آن ختم خواهد شد. از «بهار عربی» تا جنبش برآشوبیدگان معروف به ۱۵M، از تظاهرات میدان تحریر تا اعتراض‌های پارک گزی (میدان تقسیم استانبول)، و اینک گردهم‌آئی میدان جمهوری پاریس و ده‌ها محلی که مردم در فرانسه گردهم آمده اند، نشانه‌ی خشم واحد، امید مشترک، اراده مشترک است. این حرکت‌ها نشانه‌ی ضرورت ایجاد جامعه نوینی است که در آن، دموکراسی، کرامت و آزادی حرف‌های توخالی نخواهند بود.

ابراز همبستگی که از گوشه و کنار جهان به ما می‌رسد، به ما قوت قلب داده و اراده‌ی ما را مستحکم‌تر می‌کند. این جنبش از آن شما نیز هست. این جنبش نه حدی دارد و نه مرزی. این جنبش به همه‌ی زنان و مردانی تعلق دارد که آماده‌اند در آن شرکت کنند. ما هزاران هستیم و می‌توانیم میلیون‌ها شویم.

باهم، برخیزیم، بیدار.

همه با هم، بپاخیزیم.

برای تماس مطبوعات: nuitdeboutpresse@riseup.net

Facebook: <https://www.facebook.com/NuitDebout>

/Tumblr: <https://nuitdebout.tumblr.com>



جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه

شبحی این روزها در فرانسه در گشت و گذار است



شیدان وثیق

از آغاز ماه مارس، یک جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه، مستقل از تشکلات سنتی - احزاب و سندیکاها - به پا خاسته است. این جنبش رادیکال اجتماعی و سیاسی، که مناسبات حاکم بر کشور را نیز به زیر پرسش می برد، هم چنان و تا امروز با قوت و قاطعیت گسترش می یابد.

میدان جمهوری در پاریس به اشغال جوانان در آمده است. تصرف میادین - به نام «شب ایستاده» Nuit debout - به شهرهای دیگر نیز سرایت کرده است. شبحی این روزها در فرانسه در گشت و گذار است: شبح می ۶۸ و جنبش های میدانی جهان، از وال استریت تا سینتاگما، از پوئرتا دل سول تا تحریر. به پشتیبانی از این جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه برخیزیم.

نیروهای اصلی، محرک و فعال این جنبش سراسری اجتماعی را جوانان، به ویژه در میان دانشجویان دانشگاه ها و محصلین مدارس و هم چنین در بخش هایی از کارگران، بیکاران، کارکنان، سندیکالیست ها، گروه های چپ رادیکال، فعالان انجمن های مدنی و دیگر اقشار مردمی در شهرهای مختلف فرانسه، تشکیل می دهند. جنبش، از اول ماه مارس، از دانشگاه Paris ۸ که چهار و هشت سال پیش در پی جنبش می ۶۸، چون مکانی برای «آموزش - مبارزه» تأسیس گردید، آغاز می شود. به سرعت، دانشجویان دیگر دانشگاه های کشور و محصلین مدارس نیز دست به اعتصاب و اشغال مراکز خود می زنند.

عامل اولیه برانگیزنده ی این جنبش، طرح قانون کاری است که دولت به اصطلاح سوسیالیستی فرانسه می خواهد به تصویب مجلس ملی این کشور برساند. فلسفه ی اصلی این طرح، که به خواست ها و مطالبات دیرینه ی کارفرمایان و سرمایه داران فرانسه پاسخ مثبت می دهد، عبارت است

از:

۱- کاهش حقوق و اختیارات سندیکاها و زحمتکشان در دفاع از منافع خود از یکسو و افزایش قدرت و اختیارات صاحبان کار در مؤسسات خصوصی، از کوچک تا بزرگ، با کنار گذاردن سندیکاها از سوی دیگر.

۲- محو پاره ای از حقوق اجتماعی مزد بگیران که طی سالیان دراز از طریق مبارزات اجتماعی خود به دست آورده اند.

۳- باز گذاشتن دست کارفرمایان برای تحمیل کار بیشتر و حقوق کمتر؛ برای اخراج کارگران و بالابردن ساعات کار؛ برای برهم زدن نظم زمانی کارهای نیمه وقت که بیشتر از همه به زیان کارگران زن تمام می شود؛ برای پرداختن جریمه کمتر در نتیجه اخراج های اقتصادی و غیره.

بدین ترتیب، در صورتی که این قانون کار به اجرا درآید، بی ثباتی شغلی، مشاغل کوتاه مدت، شب کاری و در نتیجه، بر خلاف ادعای طرفداران قانون، بی کاری، که امروزه سه میلیونی و نیم نفر را در بر می گیرد (افزون بر دو میلیون نفری که به کارهای ناپایدار اشتغال دارند)، باز هم رو به افزایش خواهند رفت.

در راستای سیاست های نئولیبرالی رایج امروزی در همه ی کشورهای سرمایه داری، طرح جدید، در یک کلام، در پی تغییری بزرگ در مناسبات حقوقی کار و سرمایه به منظور برداشتن موانع قانونی بر سر راه صاحبان کار و به طور کلی طبقه سرمایه دار است. تنظیم یک سرمایه داری نئولیبرالی فعال مایشاً، عمده ترین اگر نه تنها هدفی است که به واقع، اما زیر لفافه ایدئولوژیکی «آزاد کردن روابط کار برای حل بحران بیکاری»، طرح قانون کار جدید می خواهد به اجرا درآورد.

اما سه خواست اصلی کنونی جنبش که در مجمع عمومی هماهنگی ملی دانشجویان، در دوم و سوم آوریل در شهر Rennes، به نمایندگی از هفتاد دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی فرانسه، اعلام گردید عبارت اند از:

۱- انصراف بدون قید و شرط و بدون مذاکره دولت از طرح قانون کار و پس گرفتن کامل آن.

۲- تقسیم و تقلیل زمان کار.

۳- توقف فوری سرکوب و پیگردهای پلیسی و ختم بلافاصله وضعیت

اضطراری در فرانسه.

نیروهای فعال جنبش اما اکنون فرا تر از خواست های فوق می روند. آن ها مناسبات سرمایه داری حاکم یعنی سیستمی را زیر پرسش می برند که امروزه جامعه ی فرانسه را به ورطه ی هولناکی از نظر رشد بی عدالتی ها و نابرابری ها فرو برده است. آن ها خواهان ابداع دموکراسی مستقیم و اشکال نوینی از خود- مدیریت، در گسست از روابط اسارت بار کنونی، هستند؛ در مشارکت و مداخله همه برای اداره ی امور خود؛ در دگرگون ساختن مناسبات خود با سیاست، فرهنگ، بهداشت، دانش، کار، فراغت و غیره که همگی امروزه سراسر تحت سلطه و هدایت عامل سود و رقابت برای سود بیشتر قرار گرفته اند؛ در خلق یک «زندگی با هم» دیگر و نوین، یعنی با «دیگری»؛ از ملیت دیگر، از جنسیت دیگر، از رنگ دیگر، از فرهنگ دیگر، از...

در ۳۱ مارس گذشته، در پی چندین راه پیمایی متعدد خیابانی در طول ماه، تظاهرات بزرگی (بیش از یک میلیون نفر) در اغلب شهرهای فرانسه برگزار می شوند. در بسیاری از دانشگاه ها و مدارس، اعتصاب، بایکوت فعال، اشغال مکان با حضور دانشجویان انجام می پذیرند. مجمع های عمومی در بسیاری از دانشگاه ها به طور منظم چند بار در هفته برای سازماندهی اعتصاب و تظاهرات و دیگر فعالیت های تبلیغی تشکیل می شوند.

گروه های کار و کارگاه ها برای بررسی و نقد طرح قانون کار و به طور کلی مناسبات کار و سرمایه و هم چنین مناسبات دانش و دانشگاه با کار تشکل می شوند. بسیاری از دانشجویان فرانسوی امروزه ناگزیر دست به کارهای نیمه وقت برای امرار معاش خود می زنند. در نتیجه طرح قانون کار با سرنوشت آن ها نیز بازی می کند. در نتیجه، این طرح شیرانه مسئله ی آن ها نیز هست، به همان سان که مسئله ی کارگران، کارکنان مشاغل موقت و ناپایدار، بیکاران و غیره نیز هست. دانشجویانِ امروزی، بیش از پیش، با دنیای کار و زحمت به طور مستقیم سر و کار پیدا می کنند، نه در فردای پایان تحصیل بلکه از آغاز زندگی دانشجویی خود.

گروه های ملاقات و گفت و گو با دنیای خارج از دانشگاه برای آمیزش مبارزات دانشجویی و کارگری و مردمی تشکیل می شوند؛ با کارگران بخش دولتی و خصوصی (کارگران راه آهن، مترو، کارگران اعتصابی و غیره) با کارکنان بیمارستان ها، با جوانان حومه، با مردم کوچه و بازار در روز یکشنبه، با پناهندگان...

اشغال میدان جمهوری پاریس توسط جوانان از اول آوریل هم راه با برنامه های فرهنگی، هنری، سخنرانی، اظهار نظر مردم حاضر، نمایش فیلم های اجتماعی و مبارزاتی، موسیقی و رقص و پایکوبی، میتینگ و... صورت می پذیرد. بحث در باره ی تجربه جنبش می ۶۸ فرانسه و تجارب جنبش های میدانی سال های گذشته چون جنبش خشم اسپانیا و سازمان پودموس، جنبش سیریزا در یونان و مطالعه ی نظریه پردازان این گونه جنبش های اجتماعی سیاسی در گسست از سیستم های فکری و مبارزاتی سنتی گذشته، جزو بحث ها و سخنرانی ها قرار گرفته اند. جنبش اشغال میادین با نام «شب ایستاده» Nuit debout به دیگر شهرهای فرانسه سرایت کرده است.

بخشی از سندیکاهای کارگری فرانسه راه مذاکره با دولت برای تصحیح طرح قانون کار را در پیش گرفته اند. آن ها، بدین سان، در عمل از جنبشی که خواهان پس گرفتن این طرح «بدون مذاکره و قید و شرط» می باشد، حمایت نمی کنند. بخشی دیگر اما با این که از این جنبش و خواست آن پشتیبانی می کنند و در راه پیمایی ها نیز شرکت دارند، اما تا کنون از دست زدن به اعتصاب عمومی پرهیز می کنند. با وجود آمادگی نیروهای به تنگ آمده در پایه های کارگری برای دست زدن به اعتصابات گسترده، رهبری و بوروکراسی سندیکاها به طور کلی از اعلام «اعتصاب عمومی، سراسری و تجدید پذیر» که خواست بخش رادیکال جنبش کنونی است خود داری می ورزند.

جنبش اجتماعی فرانسه با اشغال میادین می تواند رشد و گسترش پیدا کرده سرآغاز جنبشی عظیم شود: هم در رادیکالیته و هم در کمیت و کیفیت. چنین روندی، به رغم حاکمیت شرایط ذهنی نامساعد بر کشور یعنی رشد راست گرایی، محافظه کاری، افکار راسیستی، فاشیستی، پوپولیستی، ضد خارجی و پناهنده... در ذهنیت ها، غیر ممکن نیست. شبی این روزها در فرانسه در گشت و گذار است: شب می ۶۸ و جنبش های میدانی در جهان، از وال استریت تا سینتاگما، از پوئرتا دل سول تا تحریر، با این که می دانیم فرانسه اسپانیا، یونان و یا مصر نیست.

بر روی دیوار یکی از کلاس های فلسفه دانشگاه پاریس ۸ (کلاس A۰۲۸)، که از روز اول اعتصاب به قرارگاه اعتصابیون درآمده است، دانشجویان با رنگ سرخ نوشته اند: «امکان ناپذیر ممکن شده است». تحقق پذیری این شعار دیواری، رشد و گسترش این جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه و یا توقف و پایان آن (به ویژه با فرارسیدن ایام تعطیلات دانشگاهی) پرسشی است که نمی توان از هم اکنون به آن پاسخ داد. اما در عین حال هیچ رخدادی بزرگ در تاریخ بشر از پیش قابل

پیش بینی نبوده است زیرا که در این صورت «رخداد» نخواهد بود. سرنوشت روند این جنبش در درجه ی اول بستگی دارد به اراده ی راسخ خودِ فعالان جنبش و سیاست های مناسب آن ها در جلب دیگر اقشار اجتماعی و بویژه کارگران و زحمتکشان. وارد شدن اینان در یک اعتصاب عمومی و سراسری می تواند نقش تعیین کننده ای در پس نشاندن حکومت و حتا فرا تر از آن... ایفا کند. با این که جنبش کنونی هنوز اقلیتی از جامعه را تشکیل می دهد اما آن چه که بیان می کند و می خواهد، خواست و احساس بسیاری است. این که این «بسیاری» چگونه وارد میدان شود و به طور مستقیم و خودمختار، خود برای رهایی خود، عمل نماید... این است مسئله !

نیروهای چپ رهایی خواه جهان، وظیفه دارند که از این جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه در هر کجا که هستند حمایت کنند. به طور مستقیم در آن شرکت کنند و یا، در کشورهای خود، خواست ها و ابتکارهای این جنبش را مطرح سازند.

چپ رهایی خواه ایران وظیفه دارد که از این جنبش بزرگ اجتماعی پشتیبانی کند. مبارزه ای که جوانان فرانسوی امروز برای رهایی جامعه ی خود از زیر سلطه ی سرمایه و دولت انجام می دهند، در عین حال مبارزه ی ما نیز هست، مبارزه ای که در ایران تنها از راه پایان دادن به جمهوری اسلامی و سلطه ی استبداد و دین می گذرد.

آوریل ۲۰۱۶ – فروردین ۱۳۹۵

cvassigh@wanadoo.fr



درباره اسناد پاناما و درسهای

گفتگو رادیو فرانسه با مهرداد درویش پور

انتشار نتایج بررسی ۱۱ میلیون سند توسط ۱۰۷ رسانه و از جمله روزنامه "لوموند" که بخشی از این اسناد را منتشر کرد و همچون بُمبی منفجر شد، نشانگر این است که وارد دوران دیگری از روزنامه نگاری شده ایم که به شکل یک مقطع تاریخی به جا خواهد ماند.

البته پیش از آن "ویکی لیکس"، "ان جی او"ی که مسئول آن "جولین آسانژ" بود، که میلیون ها سند در پیوند با جاسوسی، فساد و یا پایمال کردن حقوق بشر را برملا کرد و پس از آن نوبت "ادوارد اسنودن" رسید که گستره شنود جهانیان و جاسوسی مخابراتی "سازمان امنیت ملی" آمریکا را به جهانیان شناخت، سپس "آفشور لیکس"، "سویس لیکس"، "لوکس لیکس" هم به این لیست پیوستند.

این بار کار این روزنامه نگاران هزار برابر بزرگتر از دیگران توصیف شده که به مهارت بسیار توسط ۱۰۷ رسانه جهان با کار بر اسنادی که همگی از یک شرکت پانامائی به نام "موساک فون سه کا" به دست آمد به سرانجام رسید. این کار عظیم به کمک اینترنت و موتورهای جستجو ممکن گردید.

این رخداد بزرگ و تاریخی از چند نظر پرسش برانگیز شد. پاره ای از آنها را می توان به این اختصاص داد که :

- آیا می توان اکنون گفت که این کار سرآغاز دوران "آگاه کنندگان" است که تاکنون مخفیانه در درون نهادها و نظام ها به گردآوری اطلاعات می پرداختند و آنها را در اختیار گردآواران گذاشته اند؟

آیا می توان گفت که با دریافتن گستره میزان فساد و بهره برداری پنهانی شخصیت ها، گروه ها، ورزشکاران، هنرمندان و مدیران شرکت های بزرگ که به آنها باید شبکه های جنایتکاران و بانک ها را نیز افزود، باید در انتظار رستاخیز یک جامعه مدنی توانا در سطح جهان باشیم؟ چون فعالیت یک نظام طی ۳۸ سال و رفتارهای ناسالم شهروندان ۲۰۰ کشور، زیر ذره بین گذاشته شده است. البته همه این ها به شکل غیرقانونی انجام نگرفته اما امروز دیگر هیچکس نیست که از معاملات بانکی پیچیده که به گریز از مالیات کمک می کنند، خبر نداشته باشد.

سرانجام این که با دوگانگی دولت‌مردان چگونه می‌توان مبارزه کرد؟ چون گرچه مقوله لزوم حفظ امنیت و به رسمیت شناختن موقعیت حقوقی "آگاه کننده گان" از چندی پیش مطرح شده بود، اما این بار "فرانسوا هولاند" رئیس‌جمهوری فرانسه بر آن تکیه کرد و گفت: آنها کار سودمندی می‌کنند و خطر به جان می‌خرند؛ از این رو می‌بایست از آنها محافظت به عمل آورد.

اما "ادوارد اسنودن"، که هنوز در روسیه پناهنده است، به دوگانگی "فرانسوا هولاند" اشاره کرد و وی را مورد تمسخر قرار داد و گفت هنگامی که همه نمایندگان پارلمان فرانسه از او خواستند که به وی پناهندگی دهد، او نپذیرفت... این کارمند پیشین سازمان امنیت ملی آمریکا، می‌پرسد «آیا باید برای اینکه یک "آگاه کننده" مورد حمایت "فرانسوا هولاند" قرار بگیرد، می‌بایستی با کار خود امکان ورود یک درآمد هنگفت به فرانسه را تضمین کند»؟ این پرسش‌ها را با مهرداد درویش‌پور، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس در سوئد مطرح کردم.

او با گفتن این که این رویداد بی‌نظیر است، می‌افزاید که اکنون دولت‌مردان و صاحبان ثروت در کشورهای دموکراتیک، راه‌های پیشرفته دیگری برای پنهان‌کاری‌های خود خواهند یافت. اما در کشورهای غیردموکراتیک، دولت‌مردان بر فشارهای خود خواهند افزود. اما فاش‌سازی‌ها، شهروندانی را که از سیاست و سیاستمداران دلزده شده‌اند، آگاه تر می‌کند و آنها را برای ایستادن در برابر فساد آماده می‌سازد.

اسناد پاناما و درس‌هایی که از آن می‌توان گرفت، موضوع چشم‌انداز روز است که در آن شهلا رستمی با مهرداد درویش‌پور استاد دانشگاه و جامعه‌شناس گفتگو کرده است. برای شنیدن این گفتگو به فایل صوتی مراجعه کنید.

[این گفتگو را گوش کنید](#)